



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال نهم / شماره سی و چهارم / تابستان ۱۳۹۹

واکاوی پارادایمیک محتوایی نارسایی های عملکرد مالی: موردی شرکت پالایش نفت آبادان (رویکرد کیفی و کمی)

یوسف بغلانیانی

گروه مدیریت ، واحد مسجدسلیمان ، دانشگاه آزاد اسلامی ، مسجدسلیمان، ایران
y.baghlaniani84@gmail.com

اله کرم صالحی

گروه حسابداری ، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی ، مسجدسلیمان، ایران (نویسنده مسئول)
A.k.salehi@iaumis.ac.ir

علی محمودی راد

گروه ریاضی کاربردی ، واحد مسجد سلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجد سلیمان، ایران
alimahmoodirad@gamil.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۱

چکیده

هدف این پژوهش واکاوی پارادایمیک محتوایی نارسایی های عملکرد مالی شرکت پالایش نفت آبادان در سال ۱۳۹۸ می باشد. بر اساس این هدف، پژوهش به دو صورت کیفی و کمی انجام گردید. در بخش کیفی، مولفه‌ها و شاخص‌های موثر بر نارسایی‌های عملکرد مالی شرکت توسط روش گراند تئوری و در بخش کمی، توسط الگوی معادلات ساختاری برآورد گردید. نتایج نشان داد که عوامل علی، پیامدها و عوامل مداخله‌گر؛ بالاترین تاثیر را در میان عوامل تاثیرگذار در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارا می‌باشند. از میان عوامل زمینه‌ای، به ترتیب، وجود بازار انحصاری و تعیین قیمت توسط دولت، نبود ارتباطات بین‌المللی و عدم وجود بازنگری در آیین نامه‌های مربوط به ایجاد محدودیت‌های مالی بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. از میان عوامل علی، کپی کردن طرح‌ها و ایده‌ها، فقدان مکانیزم‌های کنترل داخلی پویا به منظور تهیه داده‌های مالی مشخص و نبود گزارش‌های شفاف در صورت‌های مالی بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. از میان عوامل مداخله‌گر، بالا بودن تورم، نوسانات شدید نرخ ارز و عدم توان تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از خارج از کشور بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. از میان راهبردها، تنها عدم ارتباطات بین‌المللی معنادار شده است؛ و از میان پیامدها، از میان رفتن اعتبار، عدم امکان رقابت شرکت در صنعت و کاهش مشتریان بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند.

واژه‌های کلیدی: واکاوی پارادایمیک محتوا ، نارسایی عملکردهای مالی، گراند تئوری، معادلات ساختاری.

۱- مقدمه

نظام مالی به صورت ابزاری کارآمد برای مدیریت صحیح به شمار می‌آید. از آنجایی که سیستم‌های مالی به خصوص سیستم‌های مالی شرکت‌های دولتی و نیمه دولتی در کشورهای در حال توسعه تحت تاثیر فشار فزاینده‌ای برای بهبود کارایی و اثربخشی می‌باشند، چراکه از یک طرف تحت تاثیر نظارت‌های محدود کننده در جهت تامین مالی و جذب سرمایه‌گذارهای خارجی به دلیل وجود انحصارات دولتی هستند و از طرف دیگر تحت تاثیر محدودیت‌های متوازن شونده با چشم‌اندازها و استراتژی‌های دولت به عنوان یک مبنا درآمدی برای آن‌ها می‌باشند که وجود این محدودیت‌ها، عملکردهای مالی را دچار نارسایی‌های جدی می‌نماید (لاچ^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). در واقع یک سیستم مالی پویا برای تصمیم‌گیری و ارزیابی پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود نیازمند عملکردهای بهینه سیستم‌های اقتصادی در ابعاد کلان می‌باشد، تا براساس آن سنجش مناسبی از عملکردهای خود برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی، داشته باشد (آسکف و علی^۲، ۲۰۱۷). نکته قابل توجه این است که سنجش عملکرد مالی و واکاوی در نارسایی‌های مالی ضمن ارتقای سطح اثربخشی تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند باعث همسوسازی برنامه‌ها با استراتژی‌های مالی گر و به ارتقای سطح سلامت مالی کمک نماید. به عبارت دیگر، واکاوی در سیستم‌های عملکرد مالی با هدف شناخت نارسایی‌ها براساس شاخص‌های متع مالی، ابزار مهمی برای ارزیابی و هدایت راهبردها، پروژه‌ها و تصمیم‌های راهبردی این شرکت‌ها می‌باشد (مصلح‌شیرازی و همکاران، ۱۳۹۸). اهمیت این موضوع در ضرورت تغییرات سازمانی ریشه دارد. با جستجو در پژوهش‌های مشابه انجام شده در می‌یابیم که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی شناخت نارسایی‌های عملکرد مالی و توسعه سلامت مالی اثربخش، نتوانسته اند نقش کاربردی این پژوهش‌ها را به خوبی در دنیای واقعی جاری نمایند. با جستجو در پژوهش‌های مشابه انجام شده در می‌یابیم که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی شناخت نارسایی‌های عملکرد مالی و توسعه سلامت مالی اثربخش، متکی به تحلیل‌های روند خطی نظیر رگرسیون با اتکا به علل پیش فرض و مشخص بودن واکاوی در ساختارها و لایه‌های مالی این دست از شرکت‌ها بوده است که باتوجه به تغییر استراتژی‌ها و وجود مشکلات اقتصادی که تاثیر عدیده‌ای بر عملکردهای این شرکت‌ها دارد، نتوانسته اند نقش کاربردی این پژوهش‌ها را به خوبی در دنیای واقعی جاری نمایند. به علاوه از آنجاکه بررسی آسیب شناسانه مالی شرکت‌ها دارای ابعادی چندگانه و ماهیتی پویا و وابسته به زمان دارد، ارزیابی از طریق اتکا به روندهایی همچون رگرسیون نمی‌تواند به ارتقای سطح پویایی این عملکردها کمک نماید. لذا این پژوهش از بعد تئوریک تلاش دارد تا با واکاوی محتوایی در مباحث تئوریک و نظری، در گام اول اقدام به شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با نارسایی‌های عملکردهای مالی شرکت پالایش نفت آبادان نماید و در گام دوم با مشارکت مدیران سطوح مختلف شرکت از طریق معادلات ساختاری اقدام به اولویت بندی این نارسایی‌ها جهت شناخت بهتر و ایجاد مبنایی استراتژیک برای توسعه عملکردهای مالی شرکت نماید. از طرف دیگر از منظر کاربردی این پژوهش تلاش دارد باتوجه به اینکه نظام مالی مناسب موجب طرح‌های ادواری، بهبود هماهنگی و ارتباط می‌گردد و چارچوبی مناسبی برای کنترل، اندازه‌گیری و ارزیابی عملکردهای مالی فراهم آورد و فعالیت‌های مالی شرکت پالایش نفت آبادان را همسو با اهداف استراتژیک این شرکت مبین سازد. از طرف دیگر آسیب شناسی

مالی شرکت پالایش نفت آبادان (پالایشگاه آبادان) می تواند موجب بهبودی تصمیم های مدیران و در نتیجه بهبود عملکرد شرکت گردد. همچنین نتایج این پژوهش می تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با آسیب شناسی مالی شرکت های نفتی و بویژه شرکت پالایش نفت آبادان (پالایشگاه آبادان) و به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار مدیران صنعت نفت، دولتمردان و سرمایه گذاران جهت رسیدن به اهداف خود قرار دهد و می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های بعدی در خصوص موضوع تحقیق پیشنهاد نماید. در نهایت باید گفت، در شرایطی که ایران از سوی کشورهای قدرتمند جهانی مانند آمریکا از نظر دادوستد بین المللی مورد تحریم ظالمانه قرار گرفته است، آسیب شناسی مالی شرکت پالایش نفت آبادان می تواند باعث ارائه راه کارهای مناسبی در چارچوب اقتصاد مقاومتی برای تقویت بنیه مالی شرکت گردد. لذا هدف این پژوهش واکاوی پارادایمیک محتوایی نارسایی های عملکرد مالی شرکت پالایش نفت آبادان با دو رویکرد کیفی و کمی می باشد.

۲- مبانی نظری پژوهش

• آسیب شناسی

مراد از آسیب شناسی، شناسایی علل و ریشه عواملی است که در بروز بحران در پدیده های مختلف نقش دارند و این عوامل می تواند روند بالندگی و کارآمدی پدیده ها را مختل سازند. هدف از آسیب شناسی یافتن علت یا علل رکود یا بحران در روند طبیعی پدیده ها و فعالیت هاست. آسیب شناسی فرآیندی است نظام مند از جمع آوری داده ها به منظور تعامل اثربخش و سودمند در راستای حل مشکلات، چالش ها، فشارها و محدودیت های محیطی در سازمان (اندرو و مانزینی، ۲۰۰۵).

مایکل پرودیر^۳ (۲۰۱۸) در مقاله ای با عنوان نقش آسیب شناسی شرکتی در یادگیری سازمان به بیان ویژگی های آسیب شناسی مناسب در سطح شرکت پرداخته است که به باور او این ویژگی ها به شرح زیر است:

➤ آسیب شناسی ظرفیت سازمان ها را برای تغییر در فرهنگ سازمانی شان افزایش می دهد.
 ➤ آسیب شناسی فرصت مناسبی برای کسب بینش جدید از جنبه های مختلف کارها در سطح سازمان فراهم می کند.

➤ با آسیب شناسی از تعهد سازمان به بهبود دائمی، اطمینان حاصل می شود.
 بر مبنای شدت آسیب، می توان آن ها را به سه نوع تقسیم بندی کرد:

- آسیب های ابتدایی یا مقدماتی
- آسیب های بحرانی
- آسیب های خطرناک و مرگ آور

که در جدول ذیل به هر سه نوع و شاخص های متمایزکننده آن ها اشاره شده است.

جدول (۱) انواع آسیب‌های سازمانی

شاخص‌ها/آسیب‌ها	آسیب‌های مقدماتی	آسیب‌های بحرانی	آسیب‌های خطرناک
آثار و پیامد	کوتاه مدت	میان مدت	بلندمدت
نوع صدمه	به اهداف رشد و بقا سازمان صدمه می‌زند.	به اهداف رشد سازمان صدمه می‌زند	به اهداف رشد و بقا سازمان صدمه می‌زند
دامنه شمول آسیب	محدود	در محدوده مشخص	وسیع، گسترده و نامحدود
شیوه تشخیص	تشخیص نشانه‌های ساده	تشخیص نشان‌های نه چندان ساده و نه چندان مشکل	تشخیص نشانه‌های مشکل
اختلال در ساختار	سطحی و کم	به میزان قابل توجه	عمیق و زیاد
اختلال در کارکردها	افت کمی و کیفی کم	افت کمی و کیفی قابل توجه	افت کمی و کیفی زیاد
شیوع به زمینه	نمی‌تواند به زمینه سرایت کند	سرایت به زمینه در حدود کم	به زمینه‌ها سرایت می‌کند
اولویت	سوم	دوم	اول
شیوه برخورد	سطح و توجیحی	علمی و همراه با پژوهش، تجزیه و تحلیل و شناخت سازمان	انقلابی و سریع و قاطع

(منبع: نیکوکار و همکاران، ۱۳۹۶)

جدول (۲) بررسی و مقایسه مولفه‌های آسیب‌شناسی در مدل‌های ذکر شده

ردیف	مدل‌ها کانون‌های آسیب‌شناسی	مدل بالدریچ	مدل مالکوم مکزی	مدل S7	پورک ولتوین مدل سببی	مدل EFQM	مدل وایزورد	مدل سه شاخگی
۱	رهبری و مدیریت	✓			✓	✓	✓	✓
۲	رضایت ارباب رجوع (مشتریان)	✓				✓		✓
۳	رضایت کارکنان	✓		✓		✓		✓
۴	بهره‌وری	✓			✓	✓		✓
۵	پاداش						✓	✓
۶	ارتباطات						✓	✓
۷	ساختار			✓	✓		✓	✓
۸	اهداف سازمانی						✓	✓
۹	مکانیزم‌های هماهنگی				✓		✓	✓
۱۰	راهبرد			✓	✓			✓
۱۱	تغییر						✓	✓
۱۲	کیفیت					✓		✓
۱۳	فرآیندها	✓			✓	✓		✓

• تعریف استراتژی های مالی^۴

تمرکز اصلی استراتژی مالی بر ابعاد مالی تصمیم های استراتژیک است. در نتیجه این موضوع نشان دهنده ارتباط نزدیک با منافع سهامداران و با بازار سرمایه است. با این حال، یک استراتژی مالی مناسب همانند یک استراتژی سطح شرکت و استراتژی رقابتی بسیار عالی، تمامی ذی نفعان داخلی و خارج از شرکت را مد نظر قرار می دهد. همچنین، تئوری های بازار سرمایه و تحقیقات موجود در این زمینه به صورت اساسی بر سطح اقتصاد کلان تمرکز می کنند، در حالی که استراتژی مالی خاص بوده و براساس نیازهای شرکت های خاص و حتی در بعضی از موارد برای واحدهای فرعی در داخل سازمان تدوین می شوند (بندر و وارد،^۵ ۲۰۰۲).

استراتژی مالی را می توان به عنوان مفهومی که دارای دو جزء اصلی است، تعریف کرد: اول این مفهوم با تأمین وجوه نقد مورد نیاز هر سازمان به بهترین روش مرتبط است. دومین بُعد آن شامل مدیریت به کارگیری این وجوه در داخل سازمان است، که شامل تصمیم گیری در مورد سرمایه گذاری و یا تقسیم و توزیع هر گونه سود ایجاد شده توسط سازمان است (بندر و وارد، ۲۰۰۲).

منظور از کنترل در تدوین استراتژی مالی این است که آیا مدیران سازمانها کنترل شدید بر تصمیم گیری های مالی دارند و آیا سیستم مدیریتی سازمان از انعطاف کامل در این نوع تصمیم گیری ها برخوردار می باشد. نکته مهم این است که میزان کنترل در سازمان بر نوع استراتژی های مالی تاثیر می گذارد. علاوه بر این دو بعد فلسفی، در هر یک از استراتژی ها دو بعد مالی نیز تعریف خواهد شد (پتیت، ۲۰۰۷).

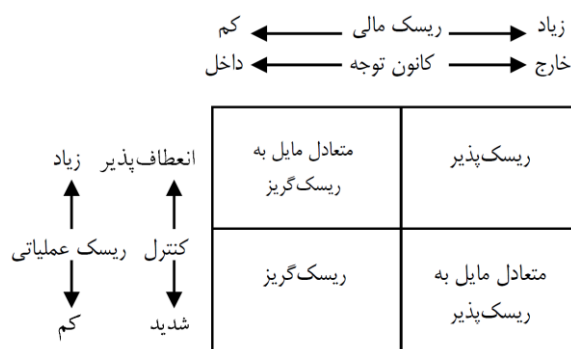
استراتژی مالی، چارچوبی است که به تصمیم گیری های مالی ناشی از شرایط متفاوت، رقابتی پویا و مجموعه ای از واکنش های مرتبط جهت می دهد. مجموعه تصمیمات مالی مدیران در زمینه تعیین ساختار سرمایه بهینه بسیار مهم است. مدیریت شرکت تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه خود را در جهت حداکثر کردن ارزش شرکت اتخاذ می کنند؛ در حالی که مدیران سطوح متفاوت اهرمی را پیش روی خود دارند و در تلاش اند تا به بهترین ساختار سرمایه دست پیدا کنند (سلیم و یادا،^۶ ۲۰۱۲).

• لزوم استفاده از استراتژی های مالی جهت بهبود عملکرد

در دو دهه گذشته چارچوب های زیادی ارائه شده است تا با آنها بتوان گونه های آرمانی استراتژی های سازمانی را ارائه داد و هماهنگی آنها را تبیین نمود. بررسی این چارچوب ها نشان می دهد که جدیدترین آنها در سال ۱۹۹۶ توسط فیگن باوم^۷ و همکارانش تحت عنوان نقاط مرجع استراتژیک^۸ مطرح شد. این تئوری بیان می کند که افراد و سازمان ها برای ارزیابی گزینه های فراروی شان می توانند از نقاط مرجع استراتژیک استفاده کنند.

باتوجه به اینکه ریسک و بازده، دو معیار اصلی تعیین کننده در تمامی تصمیم گیری های مالی در هر شرکت است. لذا مبنای اصلی برای طبقه بندی استراتژی ها، رویکرد اصلی سازمان به مقوله ریسک می باشد. گرچه در حالت کلی فرض می شود که سرمایه گذاران (حقیقی و حقوقی) یا ریسک گریزند و یا ریسک پذیر، اما می توان درجات مختلفی از ریسک گریزی و یا ریسک پذیری را مشخص کرد.

بر این اساس علاوه بر دو بعد کانون توجه و میزان کنترل، از دو شاخص درجه اهرم عملیاتی، که شاخص محاسبه ریسک عملیاتی است و درجه اهرم مالی که نشان دهنده ریسک مالی در هر سازمان است، برای گونه شناسی و جانمایی در استراتژی‌های مالی استفاده می‌شود. شکل (۲-۳) مدل غالب استراتژی‌های مالی را نشان می‌دهد.



شکل (۲-۳) گونه شناسی استراتژی‌های مالی براساس نقاط مرجع استراتژیک

امروزه تقویت عملکردهای مالی از طریق استراتژی‌های منسجم و ایجاد یکپارچگی در آن، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها دارند و بدون شک، کیفیت تصمیم‌ها به صحت و دقت استراتژی‌های تدوین شده بستگی دارد. در واقع از آنجایی که، صورت‌های مالی مهمترین منبع اشخاص برون سازمانی به ویژه سرمایه‌گذاران در دستیابی به اطلاعات مورد نیاز است، استراتژی‌ها و تعیین رویه‌های مالی می‌تواند در افزایش سطح پویایی عملکردهای مالی شرکت‌ها تاثیرگذار باشد (لین^۹ و همکاران، ۲۰۱۹).

• **ارزیابی‌های عملکرد شرکت و لزوم توجه به بعد مالی**

با گذار بر پژوهش‌های انجام شده در مورد ارزیابی عملکرد در میابیم که رویکردهای تحلیل ارزیابی عملکرد، در عرصه‌های پژوهشی سابقه طولانی دارد که نشان از اهمیت آن در این عرصه دارد. لذا جدول (۲-۴) تاریخچه مبانی ارزیابی عملکرد را نشان می‌دهد:

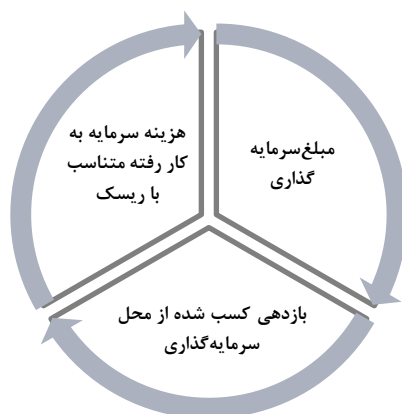
جدول (۲-۴) تاریخچه مبانی ارزیابی عملکرد

معیار سنجش عملکرد	زمان
مدل دوپونت (ROI) و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA)	دهه ۱۹۲۰
سود هر سهم (EPS) و نسبت (P/E)	دهه ۱۹۷۰
ارزش دفتری / ارزش بازار (B/M)، بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)، نرخ بازده خالص دارایی‌ها	دهه ۱۹۸۰

معیار سنجش عملکرد	زمان
(RONA)	
ارزش افزوده اقتصادی (EVA)، سود قبل از مالیات و هزینه های غیرنقدی (EBITDA)، ارزش افزوده بازار (MVA)، ارزیابی متوازن (BSC)، نرخ بازده سرمایه گذاری جریان نقدی (CFROI)	دهه ۱۹۹۰ به بعد

(منبع: وارث و همکاران، ۱۳۹۶)

درواقع، ارزیابی نه تنها در انتخاب استراتژی و ساختار مالی به مدیران کمک می کند، بلکه نشان می دهد که چگونه استراتژی ها و ساختارهای مالی بر ارزش بازار سهام اثر می گذارند. از این رو سنجش عملکرد شرکت ها، به منظور ارزیابی کلی از وضعیت مالی و نتایج عملیات برای اتخاذ تصمیمات منطقی است. در تعریف معیار ارزیابی عملکرد سه مشخصه لحاظ شده است که لزوم توجه به آن های می تواند باعث ارتقای سطح ارزیابی های عملکرد مالی شرکت ها گر:



شکل (۴-۲) معیارهای مهم در ارزیابی عملکرد

(منبع: اندریکات^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹)

رویکردهای مختلفی برای ارزیابی عملکرد شرکت ها وجود دارد، اما آنچه بیشتر در کانون توجه قرار گرفته، ارزیابی شرکت ها از بعد مالی است. روش های ارزیابی عملکرد شرکت ها با رویکرد مالی را می توان به چهار دسته اصلی طبقه بندی کرد:

- روش هایی که از اطلاعات حسابداری برای ارزیابی عملکرد استفاده می شود؛ مانند نسبت های ROA، ROE و غیره
- روش هایی که ترکیبی از اطلاعات حسابداری و بازار را برای ارزیابی عملکرد به کار می برند، مانند نسخه های مختلف Q تویین یا نسبت P/E

۳) نسبت‌هایی که با استفاده از داده‌های مدیریت مالی به کار می‌روند؛ مانند بازدهی هر سهم و بازده اضافی هر سهم

۴) نسبت‌هایی که علیرغم استفاده از اطلاعات حسابداری، معیارهای اقتصادی هستند؛ مانند EVA، MVA و REVA

باتوجه به دسته‌بندی کلی فوق، معیارهای ارزیابی عملکردهای مالی را می‌توان به صورت جزئی‌تر در بخش زیر مورد بررسی قرار داد.

معیارهای اندازه‌گیری عملکرد را باتوجه به مفاهیم حسابداری و مفاهیم اقتصادی می‌توان به دو دسته حسابداری و اقتصادی تقسیم کرد. در معیارهای حسابداری، عملکرد شرکت باتوجه به داده‌های حسابداری ارزیابی می‌شود در حالی که در معیارهای اقتصادی، عملکرد شرکت باتوجه به قدرت کسب سود دارایی‌های موجود و سرمایه‌گذاری بالقوه و با عنایت به نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه ارزیابی می‌گردد.

• نقش استراتژی‌های مالی در بهبود عملکرد مالی شرکت

استراتژی در اصطلاح عام، برنامه و دورنمایی از اهداف آینده است که یک موجودیت در جهت نیل به اهداف خود، آن استراتژی را تدوین و پیگیری می‌کند. اما در عمل تدوین استراتژی همانا یک از وظایف خطیر مدیریت است که مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران برای حفظ بقای سازمان و فعالیت آن می‌باشد. استراتژی کسب و کار بر بهبود موقعیت رقابتی محصولات واحد کسب و کار (کالاها با خدمات) در یک صنعت یا یک بخش بازار خاص تاکید می‌کند. استراتژی کسب و کار نشان می‌دهد که یک سازمان چگونه باید در یک صنعت خاص رقابت یا همکاری کند. باید توجه داشت که به لحاظ نزدیکی و شباهت سطح کل سازمان و سطح کسب و کار ممکن است برخی از استراتژی‌های آن‌ها مشابه باشند. دو چارچوب رایج و حاکم برای استراتژی‌های کسب و کار عبارتند از:

- تایپولوژی مایلز و اسنو که بر نرخ تمایل به تغییر محصول-بازار تمرکز دارد.
- تایپولوژی پورتر که بر مشتریان و رقبا تمرکز دارد.

عملکرد استراتژی‌های تدوین شده تا حد زیادی وابسته به اعمال نفوذ افکار مدیران در پیاده‌سازی آنها و نگرش آنها در تصمیمات استراتژیک است و بسیار باید برای همسویی نگرش سازمان و کارکنان برای اجرای درست این استراتژیها دقت نظر داشت. نکته قابل توجه این است که استراتژی‌های تهاجمی (اکتشافی) را انتخاب می‌کنند، بسیار نوآورانه عمل می‌کنند و همواره به دنبال بازارهای جدید و فرصت‌های جدید جهت رشد بیشتر هستند. چنین سازمان‌هایی به طور مداوم در پی توسعه محصولات و ایده‌های جدید و خلاقانه هستند و طیف گسترده‌ای از محصولات و بازارها را دارند. باید توجه داشت، امروزه تقویت عملکردهای مالی از طریق استراتژی‌های منسجم و ایجاد یکپارچگی در آن، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت‌ها دارند و بدون شک، کیفیت تصمیم‌ها به صحت و دقت استراتژی‌های تدوین شده بستگی دارد. در واقع از آنجاییکه،

صورت‌های مالی مهمترین منبع اشخاص برون سازمانی به ویژه سرمایه‌گذاران در دستیابی به اطلاعات مورد نیاز است، استراتژی‌ها و تعیین رویه‌های مالی می‌تواند در افزایش سطح پویایی عملکردهای مالی شرکت‌ها تاثیرگذار باشد (لین و همکاران، ۲۰۱۹).

سازمان‌هایی که استراتژی تدافعی را انتخاب می‌کنند، تلاش می‌کنند تا جایگاه مطمئن در حوزه‌های باثبات خدمت یا کلا پیدا کنند و آن را حفظ نمایند. چنین سازمان‌هایی طیف نسبتاً محدودی از محصولات را در مقایسه با رقبا عرضه می‌کنند و سعی می‌کنند تا با تاکید بر تولید کارآمد و رضایت مشتریان برتری خود را حفظ کنند. این سازمان‌ها معمولاً در توسعه و طراحی محصولات جدید قدم نمی‌شوند. سازمان‌هایی که استراتژی تحلیل گر را انتخاب می‌کنند، در مقایسه با استراتژی مهاجم، تغییرات کمتر و کندتری در محصول و بازار اعمال می‌کنند، اما در مقایسه با مدافع تعهد کمتری به ثبات و حفظ سهم بازار خود دارند. سازمان‌هایی که استراتژی منفعل را انتخاب می‌کنند، استراتژی رقابتی تعریف شده و مشخصی ندارند. این سازمان‌ها مثل رقبایشان از سیاست محصول-بازار ثباتی برخوردار نیستند و دوست ندارند تا همانند رقبایشان ریسک‌های طراحی و توسعه محصولات جدید یا بازار جدید را بپذیرد و زمانی که تحت فشارهای محیطی قرار گیرند از خود واکنش و پاسخ نشان می‌دهند.

۳- پیشینه پژوهش

دونگ و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی تحت عنوان رویکرد QUALIFLEX برای شبیه‌سازی کسینوسی (نوعی معیار شباهت در فواصل هندسی است) مبتنی بر اصطلاحات زبانی فازی تردید برای ارزیابی عملکرد مالی انجام شد. در این پژوهش ابتدا برای شبیه‌سازی براساس تحلیل فازی، معیارهای ارزیابی عملکرد از میان ۳۳ پژوهش مشابه تعیین و سپس بر مبنای مدل سازی فازی اقدام به تدوین ماتریس‌های تحلیلی برای انتخاب تاثیرگذارترین معیارهای ارزیابی عملکرد صورت پذیرفت. نتایج نشان داد معیارهایی همچون ترکیب هیئت‌مدیره و نظارت‌های اثربخش به عنوان مولفه‌های اصلی ارزیابی عملکرد هستند که براساس فواصل زمانی می‌تواند به شبیه‌سازی سنج‌های ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها کمک نماید و در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی موثر باشند. اکبری و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی تحت عنوان « بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر عملکرد مالی با تعدیل‌کنندگی کیفیت افشای اطلاعات: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران » انجام دادند. برای حصول به هدف اطلاعات مالی ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ جمع‌آوری شد. در این پژوهش دو متغیر نرخ بازده دارایی‌ها و نرخ بازده حقوق صاحبان سهام به‌منزله شاخص‌های اندازه‌گیری عملکرد مالی در نظر گرفته شد. برای سنجش رقابت بازاری محصول، از شاخص هریشمن - هرفیندال استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد رقابت در بازار محصول بر عملکرد مالی تأثیر می‌گذارد. همچنین کیفیت افشای اطلاعات رابطه بین رقابت در بازار محصول و عملکرد مالی را تعدیل می‌کند؛ به‌طوری که با ورود متغیر تعدیل‌کننده میزان توضیح‌دهندگی متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی افزایش می‌یابد. مومنی و میرزایی (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان نقش مالکیت بر معیارهای مالی و اقتصادی ارزیابی

عملکرد شرکت‌ها با استفاده از مدل رگرسیون فازی انجام دادند. بدین این منظور نمونه آماری شامل ۱۵۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ در نظر گرفته شد و از رگرسیون فازی جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده گردید. در این پژوهش بازده دارایی به عنوان معیار عملکرد مالی و ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار کمی نمودن عملکرد اقتصادی در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، اندازه شرکت و اهرم مالی شرکت به عنوان متغیر کنترل در مدل آماری منظور شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین مالکیت دولتی با عملکرد مالی و اقتصادی شرکت است. از سوی دیگر نتایج آزمون نشان می‌دهد بین اندازه شرکت با عملکرد مالی و اقتصادی شرکت رابطه معنادار و مستقیم و بین اهرم مالی با عملکرد مالی و اقتصادی شرکت رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. آبور (۲۰۱۷) در پژوهشی اقدام شناسایی و تعیین اولویت‌های ارزیابی عملکرد مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری نمود. در این پژوهش که ۱۴ شاخص به منظور ارزیابی عملکردهای مالی تعیین شد، از طریق تحلیل تاپسیس تلاش گردید تا مهمترین این عوامل براساس این تحلیل مشخص شوند. نتایج نشان داد، شاخص‌هایی نظیر نرخ تنزیل و ارزش فعلی خالص از جمله مهمترین و تاثیرگذارترین شاخص‌های مربوط به ارزیابی عملکردهای مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد. مرفوع و شاکری (۱۳۹۷) پژوهشی تحت عنوان «استراتژی‌های کسب‌وکار و رابطه آن با عملکرد مالی شرکت‌ها» انجام دادند. جهت ارزیابی نوع استراتژی انتخابی شرکت‌ها (تهاجمی یا تدافعی)، از سیستم امتیازدهی اینتر و لرکر (۱۹۹۷) استفاده شده است. به منظور تحلیل‌های آماری، از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده و دو متغیر کنترلی (اندازه شرکت و اهرم مالی) نیز در مدل‌ها مورد استفاده قرار گرفته شده است. قلمرو زمانی پژوهش، دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ بوده و نمونه پژوهش شامل ۱۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که هر چه شرکت بالغ‌تر و انعطاف‌پذیری مالی بیشتری داشته باشد استراتژی کسب‌وکار آن تدافعی‌تر است. علاوه بر این هر چه استراتژی کسب‌وکار شرکت تهاجمی‌تر باشد، بازده دارایی آن بیشتر و ریسک ویژه آن کمتر است. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که نوسانات بالای بازار و رقابتی بودن صنعت، اثر تقویت‌کننده‌ای بر رابطه بین بلوغ شرکت و انعطاف‌پذیری مالی با استراتژی کسب‌وکار شرکت ندارند.

مرچانت و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان «تدوین چارچوب سطح آستانه عملکردهای مالی» انجام دادند. در این پژوهش که براساس تحلیل‌های کیفی ابتدا از طریق مصاحبه با اعضای هیئت مدیره‌های دارای تحصیلات در زمینه مدیریت مالی بودند و سابقه‌ای بیش از ۵ سال عضویت در شرکت‌های بازار سرمایه بودند، انجام شد، تلاش گردید تا معیارهای مربوط به سطح تعیین عملکردهای مالی را در حدود معینی انتخاب نمایند تا براساس آن در قالب استراتژی‌های آستانه مالی، اقدام به تدوین طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری نمایند. مبنای تحلیلی این بخش، ماتریس ADL بود. این ماتریس نشان داد، برای رسیدن به بلوغ عملکردهای مالی لازم است واکاوی در نوع صنعت فعال شرکت، نوع محصول و رقبا انجام گیرد تا براساس آن با قرار گرفتن چرخه عمر شرکت، سطح آستانه‌های عملکردهای مالی شرکت تقویت گردد. براین اساس پیش‌بینی می‌شود با بکارگیری این ماتریس، سطح معین‌تری از هزینه‌های قابل برآورد هستند و باعث ارتقای سطح اثربخش تصمیم‌گیری‌های مالی می‌گردد.

۴- روش پژوهش

در سال‌های اخیر با رشد پژوهش‌ها در حوزه‌های مختلف علوم و مواجه شدن جامعه علمی با انفجار اطلاعات، انجام پژوهش‌های ترکیبی که عصاره‌ی پژوهش‌های انجام شده در یک موضوع خاص را به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی فرا روی پژوهشگران قرار می‌دهند، گسترش روز افزونی یافته است (ازکیا و توکلی، ۱۳۸۵). این پژوهش یک پژوهش ترکیبی است که شامل دو بخش کیفی و کمی می‌باشد.

در بخش کیفی از روش گراند تئوری (داده بنیاد) با استفاد از نرم افزار Atlas-ti استفاده شده است. جامعه آماری در بخش کیفی، ۱۴ نفر از متخصصان مدیریت مالی در سطح دانشگاهی می‌باشند و نمونه آماری با توجه به روش گراند تئوری، ۲۰ نفر از میان جامعه آماری است که توسط نمونه گیری قضاوتی بدست آمده است. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه می‌باشد. لازم به توضیح است که مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که دیگر مولفه یا بحث جدیدی مطرح نگردد و به عبارتی به اشباع نظری رسیده باشیم. روش گراند تئوری توسط سه مرحله کدگذاری شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است.

در بخش کمی از طریق مدل معادلات ساختاری (SEM^{۱۱}) و نرم افزار Amos، تاثیرگذارترین شاخص‌های شناسایی شده تعیین می‌گردد. جامعه آماری در بخش کمی، مدیران در سطوح مختلف شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آبادان بودند که با توجه به نمونه گیری در دسترس، تعداد ۲۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی، پرسشنامه است که مولفه‌ها و شاخص‌های آن از نتایج بخش کیفی استخراج شده‌اند. براین اساس، رویکرد پژوهشی این مطالعه به لحاظ منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقراء-قیاسی است؛ بدین منظور به‌طور خلاصه باید بیان نمود، ابتدا با بررسی مبانی نظری و تئوریک تحقیق براساس گراند تئوری، ابتدا عوامل موثر بر نارسایی عملکردهای مالی شناسایی شده و در نهایت در بخش کمی از طریق مدل معادلات ساختاری، مولفه‌های شناسایی شده، در قالب الگوی اولویت‌بندی و از منظر میزان نفوذ و تاثیرگذاری در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آبادان تبیین می‌شوند. براین اساس دو سوال زیر موردنظر می‌باشد:

- ۱) سوال پژوهش در بخش کیفی) عوامل موثر بر نارسایی عملکردهای مالی کدامند؟
- ۲) سوال پژوهش در بخش کمی) تاثیرگذارترین عوامل نارسایی عملکردهای مالی شناسایی شده در شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آبادان کدامند؟

۵- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل دو بخش است، یکی بخش کیفی و دیگری بخش کمی. در بخش کیفی جامعه هدف شامل پژوهش‌های موردنظر در رابطه با موضوع پژوهش و ۱۴ نفر از متخصصان مدیریت مالی در سطح دانشگاهی هستند که براساس فرآیند گراند تئوری، ارزیابی انتقادی و تحلیل دلفی در تحلیل و شناسایی پارادیم‌های محتوایی و گزاره‌ها مشارکت دارند. به منظور انتخاب این افراد از شیوه نمونه‌گیری کیفی همگن در قالب اعضای گروه پانل استفاده شده است. در این روش نمونه‌گیری، محقق نمونه‌های خود را با هدف کسب

دانش عمیق، متمرکز و با جزئیات زیاد از بین کسانی که این پدیده را تجربه کرده‌اند و می‌توانند اطلاعات زیادی را در اختیار پژوهشگر بگذارند، انتخاب می‌شوند (صادقی‌فسائی و ناصری‌راد، ۱۳۹۱). اما جامعه هدف در بخش کمی ۲۰ نفر از مدیران در سطوح مختلف شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آبادان بودند که باتوجه به الزام تحلیل‌های ساختاری-تفسیری فراگیر، این حد از جامعه آماری مورد قبول می‌باشد. چراکه هدف از مشارکت این جامعه تبیین نتایج بخش کیفی در سطح عملکردهای مالی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آبادان می‌باشد. در واقع از آنجایی که روش تفسیری-ساختاری فراگیر یک تحلیل مبتنی بر تجزیه سیستم‌های پیچیده در سطوح مشخصی است و می‌بایست براساس معیار مشخصی همچون تجربه یا دانش تخصصی توسط مشارکت‌کنندگان صورت پذیرد، که به دلیل عدم ایجاد انبوهی از پاسخ‌های نامفهوم، از پرسشنامه ماتریسی متقابل با مشارکت ۱۵ تا ۳۰ نفر صورت می‌گیرد. محققانی همچون سینگه و کنت^{۱۲} (۲۰۱۱)؛ مالون^{۱۳} (۲۰۱۴)؛ رامش^{۱۴} و همکاران (۲۰۰۸) و آتری^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۳) حد مطلوب انتخاب تعداد نمونه را در بازه‌ی بین ۱۵ تا ۲۵ نفر پیش‌بینی نموده‌اند و مبنای انتخاب جامعه نمونه را روش نمونه‌گیری در دسترس باتوجه به فیلترهای منطبق با ماهیت پژوهش عنوان نمودند.

۶- یافته‌های پژوهش

همانطور که گفته شد، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش کیفی و کمی انجام شده است. بنابراین یافته‌های این پژوهش شامل این دو بخش می‌باشد.

۶-۱- بخش کیفی (روش گراند تئوری)

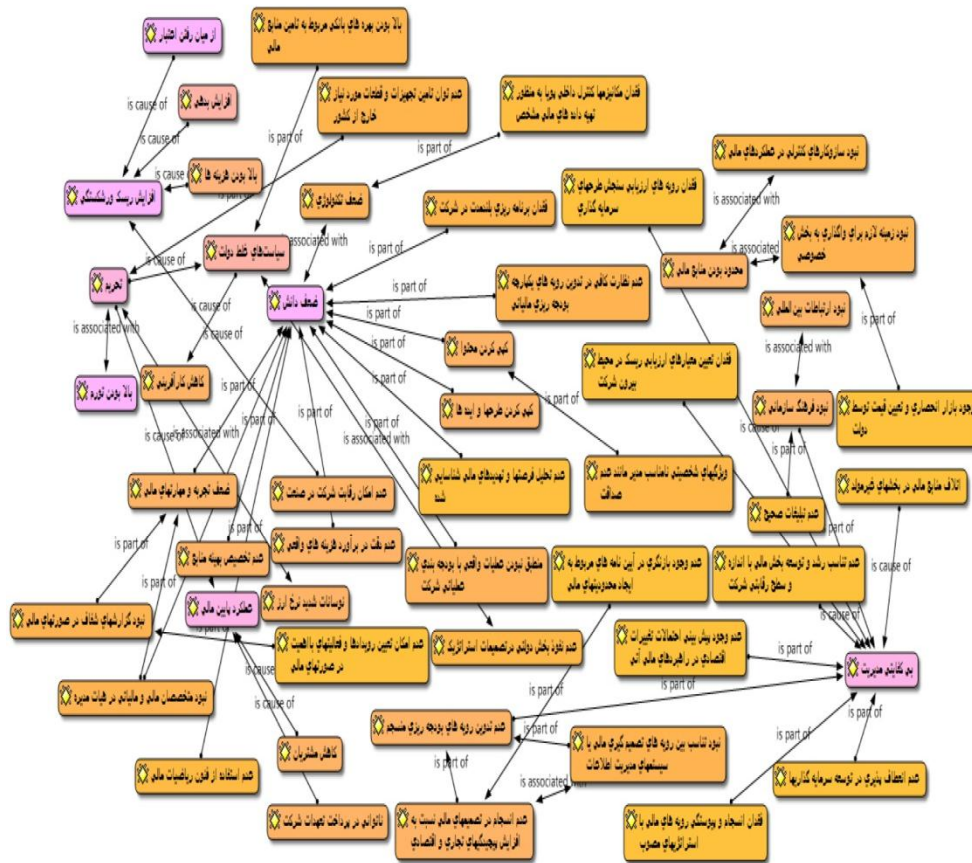
تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است که در ادامه شرح داده خواهد شد.

• کدگذاری باز

کدگذاری باز نخستین مرحله از فرآیند کدگذاری در روش گراند تئوری است. برای استخراج داده‌ها از درون مصاحبه‌ها، دو روش خرد و تحلیل نکات کلیدی وجود دارد. اشتراوس و کوربین^{۱۶} (۲۰۰۸) توصیه می‌کنند که کدگذاری از طریق تحلیل خرد انجام شود. در این نوع تحلیل، داده‌ها کلمه به کلمه تحلیل می‌شوند و معانی یافت شده در کلمات یا گروه‌های باز کلمات کدگذاری می‌گردد. کدگذاری در این پژوهش توسط روش اشتراوس و کوربین (۲۰۰۸) انجام شده است. در این مطالعه ابتدا محتوای کلیه مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس کدگذاری باز آنها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام شد. بدین ترتیب که داده‌های جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها در فایل Word مکتوب شده و سپس توسط نرم افزار Atlas-ti تجزیه و تحلیل خط به خط و پاراگراف به پاراگراف نوشته‌های موجود، کدهای باز ایجاد گردید. کدگذاری باز خود شامل سه مرحله است: کدگذاری باز مرحله اول، کدگذاری باز مرحله دوم و کدگذاری باز مرحله سوم. در این تحقیق، در مجموع ۲۶۷ کد از کدگذاری باز مرحله سوم استخراج گردید.

• کدگذاری محوری

پس از شناسایی کدهای اولیه، در مرحله بعد، کدگذاری محوری انجام شد. کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در روش گراند تئوری است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل بر اساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند ایجاد نظریه را به سهولت انجام دهد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳). ایجاد شبکه های کدگذاری محوری انجام گردید. این شبکه ها در راستای ۵ فرآیند مهم در روش گراند تئوری شامل عوامل زمینه ای، عوامل علی، عوامل مداخله-گر، راهبردها و پیامدها ترسیم شد. شکل (۳) شبکه کدگذاری محوری را برای ۵ فرآیند ذکر شده نشان می دهد. لازم به ذکر است که برخی از کدها با یکدیگر ادغام شده و کدهایی که از مرکزیت کمتری برخوردار بوده اند و اهمیت کمتر داشتند از شبکه حذف شدند؛ که در نهایت ۵۲ در شبکه کدگذاری محوری باقی ماند.



شکل (۳) کدگذاری محوری در عوامل موثر بر نارسایی عملکردهای مالی

• کدگذاری انتخابی

بنابراین پس از اینکه تمامی داده‌ها توسط کدگذاری باز و کدگذاری محوری تحلیل شدند، نوبت به کدگذاری انتخابی آنها می‌رسد. کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و بهبود مقوله‌هاست. نکته‌ای که در این مرحله از پژوهش باید مورد نظر قرار گیرد این است که در صورتی که هدف از پژوهش، تئوری سازی باشد، یافته‌ها در غالب مفاهیمی به هم مرتبط و نه صرفاً لیستی از موضوع‌ها ارائه شوند. ذکر این نکته ضروری است که همواره بیش از یک راه برای نشان دادن روابط وجود دارد. برای رسیدن به یکپارچگی مورد نظر لازم است پژوهشگر خط اصلی موضوع را تنظیم و با تعهد به آن به شرح خط اصلی داستان بپردازد. کدگذاری انتخابی توسط کدهایی که در مرحله کدگذاری محوری مرکزیت بیشتری دارند بدست می‌آید. بر اساس مرکزیت کدهای مرحله کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی به صورت جدول (۱) می‌باشد.

جدول (۱) کدگذاری انتخابی در عوامل موثر بر نارسایی عملکردهای مالی

شخص‌ها	مولفه
(۱) نبود فرهنگ سازمانی (A1)	عوامل زمینه‌ای (A)
(۲) بی‌کفایتی مدیریت (A2)	
(۳) عدم وجود پیش‌بینی احتمالات تغییرات اقتصادی در راهبردهای مالی آتی (A3)	
(۴) عدم تبلیغات صحیح (A4)	
(۵) نبود ارتباطات بین‌المللی (A5)	
(۶) عدم انعطاف پذیری در توسعه سرمایه‌گذاری‌ها (A6)	
(۷) فقدان انسجام و پیوستگی رویه‌های مالی با استراتژی‌های مصوب (A7)	
(۸) عدم تدوین رویه‌های بودجه ریزی منسجم (A8)	
(۹) نبود تناسب بین رویه‌های تصمیم‌گیری مالی با سیستم‌های مدیریت اطلاعات (A9)	
(۱۰) عدم انسجام در تصمیم‌های مالی نسبت به افزایش پیچیدگی‌های تجاری و اقتصادی (A10)	
(۱۱) عدم وجود بازنگری در آیین‌نامه‌های مربوط به ایجاد محدودیت‌های مالی (A11)	
(۱۲) اتلاف منابع مالی در بخش‌های غیرمولد (A12)	
(۱۳) عدم تناسب رشد و توسعه بخش مالی با اندازه و سطح رقابتی شرکت (A13)	
(۱۴) محدود بودن منابع مالی (A14)	
(۱۵) نبود زمینه لازم برای واگذاری به بخش خصوصی (A15)	
(۱۶) فقدان رویه‌های ارزیابی سنجش طرح‌های سرمایه‌گذاری (A16)	
(۱۷) فقدان تعیین معیارهای ارزیابی ریسک در محیط بیرون شرکت (A17)	
(۱۸) وجود بازار انحصاری و تعیین قیمت توسط دولت (A18)	
(۱۹) ضعف دانش (B1)	
(۲۰) عدم امکان تعیین رویدادها و فعالیت‌های با اهمیت در الگوی کنونی صورت‌های مالی (B2)	
(۲۱) منطبق نبود عملیات واقعی با بودجه‌بندی عملیاتی شرکت (B3)	
(۲۲) ضعف تکنولوژی (B4)	
(۲۳) ضعف تجربه و مهارت‌های مالی (B5)	

مؤلفه	شاخص‌ها	
عوامل علی (B)	۲۴) نبود گزارش‌های شفاف در صورت‌های مالی (B6)	
	۲۵) نبود متخصصان مالی و مالیاتی در هیات مدیره (B7)	
	۲۶) عدم استفاده از فنون ریاضیات مالی (B8)	
	۲۷) عدم تخصیص بهینه منابع (B9)	
	۲۸) عدم دقت در برآورد هزینه‌های واقعی (B10)	
	۲۹) کپی کردن محتوا (B11)	
	۳۰) کپی کردن طرح‌ها و ایده‌ها (B12)	
	۳۱) عدم تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای مالی شناسایی شده (B13)	
	۳۲) فقدان مکانیزم‌های کنترل داخلی پویا به منظور تهیه داده‌های مالی مشخص (B14)	
	۳۳) فقدان برنامه ریزی بلندمدت در شرکت (B15)	
عوامل مداخله‌گر (C)	۳۴) ویژگی‌های شخصیتی نامناسب مدیر مانند عدم صداقت (B16)	
	۳۵) سیاست‌های غلط دولت (C1)	
	۳۶) بالا بودن بهره‌های بانکی مربوط به تامین منابع مالی (C2)	
	۳۷) تحریم (C3)	
	۳۸) بالا بودن تورم (C4)	
	۳۹) نوسانات شدید نرخ ارز (C5)	
	۴۰) عدم توان تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از خارج از کشور (C6)	
	راهبردها (D)	۴۱) نبود سازوکارهای کنترلی در عملکردهای مالی (D1)
		۴۲) عدم صادرات کالاهای نهایی (D2)
		۴۳) عدم نفوذ بخش دولتی در تصمیمات استراتژیک (D3)
پیامدها (E)	۴۴) افزایش ریسک ورشکستگی (E1)	
	۴۵) از میان رفتن اعتبار (E2)	
	۴۶) افزایش بدهی (E3)	
	۴۷) بالا بودن هزینه‌ها (E4)	
	۴۸) عدم امکان رقابت شرکت در صنعت (E5)	
	۴۹) ناتوانی در پرداخت تعهدات شرکت (E6)	
	۵۰) کاهش مشتریان (E7)	
	۵۱) عملکرد مالی پایین (E8)	
	۵۲) کاهش کارآفرینی (E9)	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج ارائه شده در جدول (۱) مؤلفه‌های بدست آمده را منطبق با فرآیندهای اصلی روش گراند تئوری نشان می‌دهد. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، کدهای انتخاب شده در این ۵ مؤلفه یا فرآیند روش گراند تئوری دسته بندی شده‌اند.

عوامل زمینه‌ای موثر بر نارسایی عملکردهای مالی شامل بی‌کفایتی مدیریت است که به دنبال آن، عدم وجود پیش‌بینی احتمالات تغییرات اقتصادی در راهبردهای مالی آتی، عدم انعطاف‌پذیری در توسعه سرمایه‌گذاری‌ها، فقدان انسجام و پیوستگی رویه‌های مالی با استراتژی‌های مصوب، عدم تدوین رویه‌های بودجه‌ریزی منسجم، نبود تناسب بین رویه‌های تصمیم‌گیری مالی با سیستم‌های مدیریت اطلاعات، عدم انسجام در تصمیم‌های مالی نسبت به افزایش پیچیدگی‌های تجاری و اقتصادی، عدم وجود بازنگری در آیین‌نامه‌های مربوط به ایجاد محدودیت‌های مالی، اتلاف منابع مالی در بخش‌های غیرمولد، عدم تناسب رشد و توسعه بخش مالی با اندازه و سطح رقابتی شرکت، محدود بودن منابع مالی، بود زمینه لازم برای واگذاری به بخش خصوصی، فقدان رویه‌های ارزیابی سنجش طرح‌های سرمایه‌گذاری، فقدان تعیین معیارهای ارزیابی ریسک در محیط بیرون شرکت، وجود بازار انحصاری و تعیین قیمت توسط دولت را به دنبال دارد. همچنین نبود فرهنگ سازمانی، عدم تبلیغات صحیح و نبود ارتباطات بین‌المللی نیز از عواملی هستند که منجر به نارسایی عملکردهای مالی در شرکت می‌شوند.

عوامل علی موثر بر نارسایی عملکردهای مالی شامل ضعف دانش و تکنولوژی و تجربه و مهارت‌های مالی است که مشکلاتی از قبیل عدم امکان تعیین رویدادها و فعالیت‌های با اهمیت در الگوی کنونی صورت‌های مالی، منطبق نبود عملیات واقعی با بودجه‌بندی عملیاتی شرکت، نبود گزارش‌های شفاف در صورت‌های مالی، نبود متخصصان مالی و مالیاتی در هیأت مدیره، عدم استفاده از فنون ریاضیات مالی، عدم تخصیص بهینه منابع، عدم دقت در برآورد هزینه‌های واقعی، کپی کردن محتوا، کپی کردن طرح‌ها و ایده‌ها، عدم تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای مالی شناسایی شده، فقدان مکانیزم‌های کنترل داخلی پویا به منظور تهیه داده‌های مالی مشخص، فقدان برنامه ریزی بلندمدت در شرکت را شامل می‌شود و همچنین مربوط به ویژگی‌های شخصیتی نامناسب مدیر مانند عدم صداقت نیز می‌شود.

عوامل مداخله‌گر موثر بر نارسایی عملکردهای مالی شامل عواملی است که مربوط به اقتصاد کلان و سیاست‌های دولت است و شامل بالا بودن تورم، نوسانات شدید نرخ ارز، عدم توان تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از خارج از کشور به دلیل نرخ ارز بالا می‌باشند. این عوامل می‌توانند بر نارسایی عملکرد مالی تاثیرگذار باشند و منجر به پایین آمدن سطح عملکرد در شرکت شوند. به ویژه از سال ۱۳۹۷ که کشور با نوسانات شدید نرخ ارز مواجه شد و بسیاری از شرکت‌ها دیگر قادر به تامین تجهیزات خود از خارج از کشور نبودند. همچنین به دلیل نرخ تورم بالا، هزینه‌های شرکت‌ها نیز افزایش یافت که به دنبال این وقایع، عملکرد شرکت‌ها افت بسیاری را به دنبال داشت.

برخی از کدهای انتخابی نیز در مولفه راهبردها دسته‌بندی شدند که شامل نبود سازوکارهای کنترلی در عملکردهای مالی، عدم صادرات کالاهای نهایی و عدم نفوذ بخش دولتی در تصمیمات استراتژیک می‌باشد. به بیان دیگر، این موارد به عنوان عواملی هستند که عملکرد مالی را دچار نارسایی می‌کنند و به عنوان راهبردی برای بهبود عملکرد مالی توصیه شده که سازوکارهای کنترلی، ارتباطات بین‌المللی و نفوذ بخش دولتی در شرکت وجود داشته باشد.

در نهایت، پیامدهایی که در اثر نارسایی عملکرد مالی به وجود خواهد آمد شامل افزایش بدهی ها و هزینه ها می باشد که منجر به ناتوانی در پرداخت تعهدات شرکت و کاهش مشتری می شود و در نهایت اعتبار شرکت و امکان رقابت را نیز از بین خواهد برد و شرکت را با خطر ورشکستگی مواجه می نماید. وقتی شرکت دچار ورشکستگی شود، نیروی کار بسیاری بیکار شده و لذا کاهش کارآفرینی را نیز به دنبال دارد.

۲-۶- اعتبار سنجی نتایج در بخش کیفی

اعتبار سنجی داده های در فرآیند روش گراند تئوری به سه روش انجام می شود. این سه روش عبارتند از:

(۱) افزایش شفافیت فرآیند پژوهش:

اعتبار سنجی با افزایش شفافیت فرآیند پژوهش توسط توزیع گام ها و مراحل طی شده، تکنیک ها و ابزارهای استفاده شده بخش هایی که اطلاعات جمع آوری گردیده است، با جزئیات زیاد به دست می آید. با توجه به شفافیتی که در اطلاعات به دست آمده در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی وجود دارد، بنابراین اعتبار داده های پژوهش به روش شفافیت فرآیند پژوهش تایید می شود.

(۲) ارائه یافته ها به مشارکت کنندگان:

یکی از اصول روش های کیفی و به طور خاص روش گراند تئوری، مشارکت محور بودن آن است. در این پژوهش، محقق هیچ تلاشی برای هدایت نتایج به سمت و سوی خاصی نکرده است و تمامی نتایج حاصل پاسخ های مصاحبه شوندگان بوده است. جهت اعتبار سنجی روش گراند تئوری، یافته های تحقیق در اختیار مصاحبه شوندگان قرار داده شد و تمامی مصاحبه شوندگان یافته های تحقیق را مورد تایید قرار دادند.

(۳) مقایسه مداوم یافته ها با داده های خام:

در هر مرحله از کدگذاری های مراتب بالاتر، داده های بدست آمده با داده های مراحل اول مصاحبه و کدگذاری باز مقایسه گردید تا اعتبار داده های کدگذاری مراحل بالاتر مورد تایید قرار بگیرد.

۳-۶- بخش کمی (مدل معادلات ساختاری)

پس از شناسایی عوامل مهم موثر بر نارسایی عملکردهای مالی در بخش کیفی، پرسشنامه ای بر مبنای گویه های اصلی شناسایی شده در طیف لیکرت طراحی گردید. سپس پرسشنامه در اختیار نمونه آماری در بخش کمی قرار داده شد. تجزیه و تحلیل پرسشنامه ها در بخش کمی بر اساس مدل معادلات ساختاری (SEM) است که شامل بررسی نکویی برازش، تحلیل تاییدی و معناداری ضرایب می باشند.

۴-۶- بررسی نکویی برازش

شاخص های نکویی برازش که در این مقاله بررسی می شوند، عبارتند از: شاخص های GFI و AGFI. شاخص RMSEA، آماره خی دو، شاخص NFI و CFI. مقدار این شاخص ها به صورت جدول (۲) می باشد. همان طور که

ملاحظه می‌شود، مقادیر شاخص‌های GFI و AGFI و NFI و CFI بالاتر از ۰/۹ به دست آمده است. بنابراین این شاخص‌ها برازش قابل قبول مدل را نشان می‌دهد. مقادیر RMSEA نیز برابر ۰/۰۶ است که حاکی از برازش قابل قبول مدل‌ها می‌باشد. مقدار χ^2 دو برابر ۴/۴۴۲ است که در سطح کوچکتر از $p < 0.1$ معنادار می‌باشد. این آماره حاکی از این است که ماتریس وارپانس-کوواریانس مشاهده شده و برآورد شده متفاوت هستند. این آماره متاثر از حجم نمونه می‌باشد، اغلب از تفسیر مستقیم این آماره خودداری می‌شود. نسبت این آماره بر درجه آزادی کوچکتر از ۳ است و برازش خوب هر ۵ مدل را نشان می‌دهد.

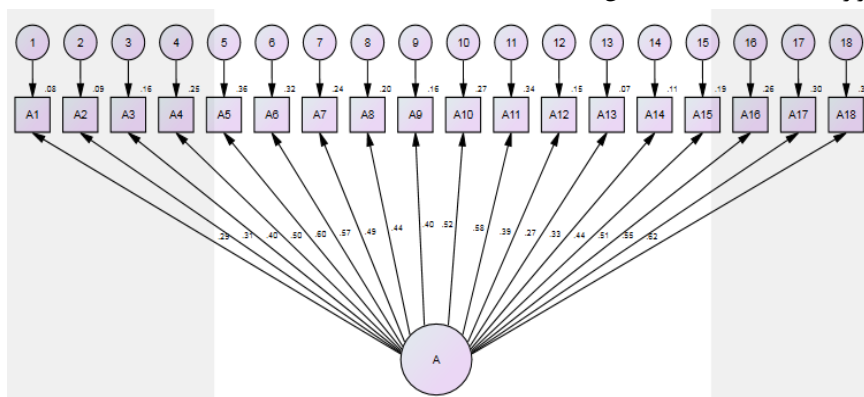
جدول (۲) شاخص‌های نکوبی برازش

CFI	NFI	آماره χ^2 دو	RMSEA	AGFI	GFI	مدل
۰/۹	۰/۹۴	۴/۴۴۲	۰/۰۶	۰/۹۶	۰/۹۹	عوامل زمینه‌ای (A)
۰/۹۱	۰/۹۳	۴/۰۲۱	۰/۰۶	۰/۹۵	۰/۹۸	عوامل علی (B)
۰/۹۱	۰/۹۲	۴/۳۲۴	۰/۰۶	۰/۹۶	۰/۹۹	عوامل مداخله‌گر (C)
۰/۹۰	۰/۹۲	۴/۲۱۳	۰/۰۶	۰/۹۷	۰/۹۹	راهبردها (D)
۰/۹۱	۰/۹۳	۴/۰۲۰	۰/۰۶	۰/۹۵	۰/۹۸	پیامدها (E)

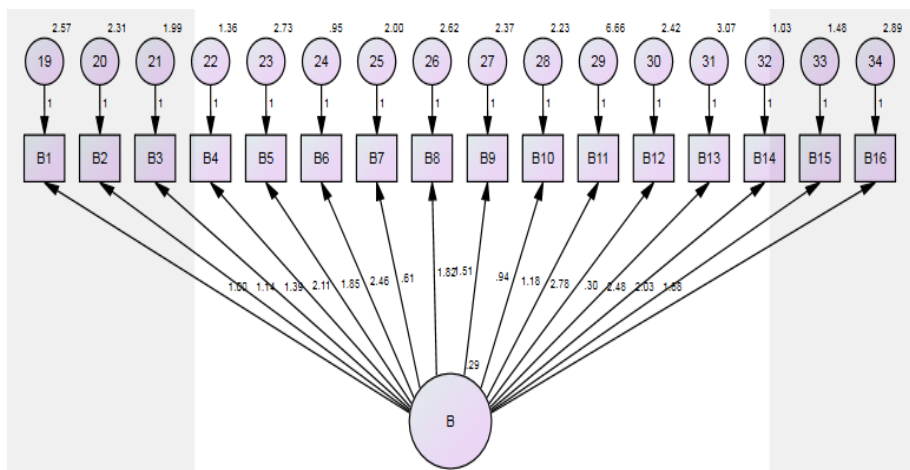
ماخذ: یافته‌های پژوهش

۵-۶- تحلیل تاییدی

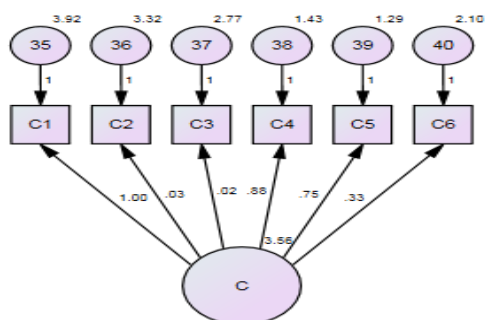
در این بخش از مقاله، بارهای عاملی شاخص‌های شناسایی شده در هر یک از ۵ مدل شناسایی شده شامل عوامل زمینه‌ای (A)، عوامل علی (B)، عوامل مداخله‌گر (C)، راهبردها (D) و پیامدها (E) تبیین می‌گردد. جدول (۳) بارهای عاملی و سطح معناداری برای هر یک از شاخص‌ها را نشان می‌دهد. شکل‌های مربوط به بارهای عاملی که از نرم افزار Amos بدست آمده نمایش داده شده‌اند.



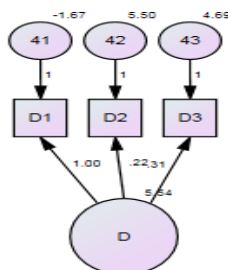
شکل (۴) معادلات ساختاری عوامل زمینه‌ای



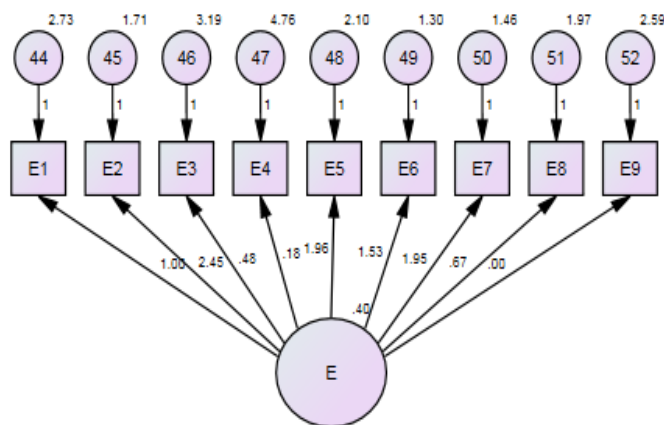
شکل (۵) معادلات ساختاری عوامل علی



شکل (۶) معادلات ساختاری عوامل مداخله‌گر



شکل (۷) معادلات ساختاری راهبردها



شکل (۸) معادلات ساختاری پیامدها

میانگین بارهای عاملی برای هر یک از مولفه‌ها نشان می‌دهد که عوامل علی، با میانگین بار عاملی ۰/۷۰ بالاترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. پس از آن، پیامدها با میانگین بار عاملی ۱/۲۸ و عوامل مداخله‌گر با میانگین بار عاملی ۰/۶۵ رتبه دوم و سوم را در میان عوامل تاثیرگذار در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارا می‌باشند.

از میان عوامل زمینه‌ای، به ترتیب، وجود بازار انحصاری و تعیین قیمت توسط دولت (بار عاملی = ۰/۶۲)، نبود ارتباطات بین‌المللی (بار عاملی = ۰/۶۰) و عدم وجود بازنگری در آیین نامه‌های مربوط به ایجاد محدودیت‌های مالی (بار عاملی = ۰/۵۸) بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند.

از میان عوامل علی، کپی کردن طرح‌ها و ایده‌ها (بار عاملی = ۲/۷۸)، فقدان مکانیزم‌های کنترل داخلی پویا به منظور تهیه داده‌های مالی مشخص (بار عاملی = ۲/۴۸) و نبود گزارش‌های شفاف در صورت‌های مالی (بار عاملی = ۲/۴۶) بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند.

از میان عوامل مداخله‌گر، بالا بودن تورم (بار عاملی = ۰/۸۸)، نوسانات شدید نرخ ارز (بار عاملی = ۰/۷۵) و عدم توان تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از خارج از کشور (بار عاملی = ۰/۳۳) بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند.

از میان راهبردها، تنها عدم صادرات کالاهای نهایی با بار عاملی ۰/۲۲ معنادار شده است. از میان پیامدها، از میان رفتن اعتبار (بار عاملی = ۲/۴۵)، عدم امکان رقابت شرکت در صنعت (بار عاملی = ۱/۹۶) و کاهش مشتریان (بار عاملی = ۱/۹۵) بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند.

جدول (۲) بارهای عاملی و آماره شاخص های شناسایی شده در معادلات ساختاری

مؤلفه	شاخص ها	بار عاملی	آماره t
عوامل زمینه‌ای (A)	(۱) نبود فرهنگ سازمانی (A1)	۰/۳۹	۲/۴۵
	(۲) بی کفایتی مدیریت (A2)	۰/۳۱	۲/۵۵
	(۳) عدم وجود پیش بینی احتمالات تغییرات اقتصادی در راهبردهای مالی آتی (A3)	۰/۴۰	۲/۱۲
	(۴) عدم تبلیغات صحیح (A4)	۰/۵۰	۲/۴۱
	(۵) نبود ارتباطات بین المللی (A5)	۰/۶۰	۲/۱۰
	(۶) عدم انعطاف پذیری در توسعه سرمایه گذاری ها (A6)	۰/۵۷	۲/۱۷
	(۷) فقدان انسجام و پیوستگی رویه های مالی با استراتژی های مصوب (A7)	۰/۴۹	۱/۱۴
	(۸) عدم تدوین رویه های بودجه ریزی منسجم (A8)	۰/۴۴	۲/۱۶
	(۹) نبود تناسب بین رویه های تصمیم گیری مالی با سیستم های مدیریت اطلاعات (A9)	۰/۴۰	۱/۱۸
	(۱۰) عدم انسجام در تصمیم های مالی نسبت به افزایش پیچیدگی های تجاری و اقتصادی (A10)	۰/۵۲	۳/۸۸
	(۱۱) عدم وجود بازنگری در آیین نامه های مربوط به ایجاد محدودیت های مالی (A11)	۰/۵۸	۱/۱۰
	(۱۲) اتلاف منابع مالی در بخش های غیرمولد (A12)	۰/۳۹	۰/۵۸
	(۱۳) عدم تناسب رشد و توسعه بخش مالی با اندازه و سطح رقابتی شرکت (A13)	۰/۲۷	۲/۵۵
	(۱۴) محدود بودن منابع مالی (A14)	۰/۳۳	۳/۳۶
	(۱۵) نبود زمینه لازم برای واگذاری به بخش خصوصی (A15)	۰/۴۴	۰/۱۴
	(۱۶) فقدان رویه های ارزیابی سنجش طرح های سرمایه گذاری (A16)	۰/۵۱	۴/۷۸
	(۱۷) فقدان تعیین معیارهای ارزیابی ریسک در محیط بیرون شرکت (A17)	۰/۵۵	۲/۲۵
	(۱۸) وجود بازار انحصاری و تعیین قیمت توسط دولت (A18)	۰/۶۲	۱/۱۲
	(۱۹) میانگین بارهای عاملی معنادار در عوامل زمینه ای	۰/۴۴	
عوامل علی (B)	(۲۰) ضعف دانش (B1)	۱/۶۰	۴/۵۵
	(۲۱) عدم امکان تعیین رویدادها و فعالیت های با اهمیت در الگوی کنونی صورت های مالی (B2)	۱/۱۴	۳/۵۶
	(۲۲) منطبق نبود عملیات واقعی با بودجه بندی عملیاتی شرکت (B3)	۱/۳۹	۲/۳۶
	(۲۳) ضعف تکنولوژی (B4)	۲/۱۱	۲/۵۵
	(۲۴) ضعف تجربه و مهارت های مالی (B5)	۱/۸۵	۵/۲۳
	(۲۵) نبود گزارش های شفاف در صورت های مالی (B6)	۲/۴۶	۲/۱۲
	(۲۶) نبود متخصصان مالی و مالیاتی در هیات مدیره (B7)	۰/۶۱	۲/۲۲
	(۲۷) عدم استفاده از فنون ریاضیات مالی (B8)	۱/۸۲	۲/۱۷
	(۲۸) عدم تخصیص بهینه منابع (B9)	۱/۵۱	۳/۳۳
	(۲۹) عدم دقت در برآورد هزینه های واقعی (B10)	۰/۹۴	۲/۳۲

مؤلفه	شاخص‌ها	بارعاملی	آماره t
	۳۰) کپی کردن محتوا (B11)	۱/۱۸	۳/۳۶
	۳۱) کپی کردن طرح‌ها و ایده‌ها (B12)	۲/۷۸	۲/۱۵
	۳۲) عدم تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای مالی شناسایی شده (B13)	۰/۳۰	۱/۱۴
	۳۳) فقدان مکانیزم‌های کنترل داخلی پویا به منظور تهیه داده‌های مالی مشخص (B14)	۲/۴۸	۲/۲۵
	۳۴) فقدان برنامه ریزی بلندمدت در شرکت (B15)	۲/۰۳	۲/۸۸
	۳۵) ویژگی‌های شخصیتی نامناسب مدیر مانند عدم صداقت (B16)	۱/۵۸	۲/۳۳
	۳۶) میانگین بارهای عاملی معنادار در عوامل علی	۱/۷۰	
	۳۷) سیاست‌های غلط دولت (C1)	۱/۰۰	۱/۲۵
	۳۸) بالا بودن بهره‌های بانکی مربوط به تامین منابع مالی (C2)	۰/۰۳	۱/۰۲
	۳۹) تحریم (C3)	۰/۰۲	۰/۳۳
عوامل مداخله- گر (C)	۴۰) بالا بودن تورم (C4)	۰/۸۸	۳/۲۵
	۴۱) نوسانات شدید نرخ ارز (C5)	۰/۷۵	۲/۴۱
	۴۲) عدم توان تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از خارج از کشور (C6)	۰/۳۳	۳/۴۲
	۴۳) میانگین بارهای عاملی معنادار در عوامل مداخله‌گر	۰/۶۵	
	۴۴) نبود سازوکارهای کنترلی در عملکردهای مالی (D1)	۱/۰۰	۰/۵۵
راهبردها (D)	۴۵) عدم صادرات کالاهای نهایی (D2)	۰/۲۲	۲۸۲
	۴۶) عدم نفوذ بخش دولتی در تصمیمات استراتژیک (D3)	۰/۳۱	۰/۲۲
	۴۷) میانگین بارهای عاملی معنادار در راهبردها	۰/۲۲	
پیامدها (E)	۴۸) افزایش ریسک ورشکستگی (E1)	۱/۰۰	۴/۴۵
	۴۹) از میان رفتن اعتبار (E2)	۲/۴۵	۲/۵۵
	۵۰) افزایش بدهی (E3)	۰/۴۸	۲/۲۶
	۵۱) بالا بودن هزینه‌ها (E4)	۰/۱۸	۳/۲۸
	۵۲) عدم امکان رقابت شرکت در صنعت (E5)	۱/۹۶	۴/۳۶
	۵۳) ناتوانی در پرداخت تعهدات شرکت (E6)	۱/۵۳	۵/۹۶
	۵۴) کاهش مشتریان (E7)	۱/۹۵	۲/۹۴
	۵۵) عملکرد مالی پایین (E8)	۰/۶۷	۱/۹۸
	۵۶) کاهش کارآفرینی (E9)	۰/۰۰	۰/۹۹
	میانگین بارهای عاملی معنادار در پیامدها	۱/۲۸	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۷- بحث و نتیجه گیری

در محیط رقابتی به خصوص در سطح بازار محصولات استراتژیک، که یکی از مشخصه‌های بارز این محصولات کمیابی منابع مرتبط به آن است، مدیریت و ارزیابی عملکرد، به ویژه ارزیابی عملکردهای مالی نقشی

حیاتی برای آن شرکت ایفا می‌کند. سیستم کنترل مالی یک سازمان بخشی از فعالیت کنترلی مدیریت محسوب می‌شود که شامل دستورالعمل‌ها، آئین‌نامه‌ها، قوانین، مقررات و روش‌هایی است که به منظور حصول اطمینان از حفاظت منابع، اموال و دارایی‌ها و بکارگیری مناسب و صحیح آنها، صحت و قابلیت اتکاء اسناد و مدارک مالی و گزارشگری صحیح و به موقع وضعیت مالی و کشف انحرافات احتمالی، توسط سازمان‌ها بکار گرفته می‌شود. یک سامانه کنترل مالی مؤثر باید قبل از آنکه انحرافات منجر به زیان شوند، قابلیت پیشگیری یا کشف انحراف را داشته باشد یا حداقل بتواند میزان زیان را کاهش دهد. مهمترین بخش نظام کنترل مالی یک سازمان، سیستم کنترل‌های داخلی آن است (جبرئیلی فرد، ۱۳۹۷). هدف این پژوهش واکاوی پارادایمیک محتوایی نارسایی‌های عملکرد مالی شرکت پالایش نفت آبادان بود. بر اساس این هدف، پژوهش به دو صورت کیفی و کمی انجام گردید. در بخش کیفی، مولفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر نارسایی‌های عملکرد مالی شرکت توسط روش گراندد تئوری و سه مرحله آن یعنی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی شناسایی گردید. گردآوری داده‌ها در بخش کیفی توسط مصاحبه با ۱۴ نفر از متخصصان مدیریت مالی در سطح دانشگاهی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، در مجموع ۲۶۷ کد از کدگذاری باز مرحله سوم استخراج گردید. در مرحله کدگذاری محوری و انتخابی، ۵۲ کد به عنوان کدهای اصلی شناسایی گردیدند. در نهایت این ۵۲ کد (شاخص) در پنج فرایندهای اصلی روش گراندد تئوری (عوامل زمینه‌ای، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، راهبردها، پیامدها) به عنوان مولفه قرار گرفتند.

در بخش کمی، الگوی عوامل مؤثر بر نارسایی‌های عملکرد مالی شرکت پالایش نفت آبادان توسط معادلات ساختاری برآورد گردید. گردآوری داده‌ها در بخش کمی توسط پرسشنامه طراحی شده توسط مولفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده انجام گرفت. سپس پرسشنامه توسط ۲۵ نفر از مدیران در سطوح مختلف شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی آبادان تکمیل گردید. نتایج بخش کمی نشان داد که عوامل علی، پیامدها و عوامل مداخله‌گر؛ بالاترین تاثیر را در میان عوامل تاثیرگذار در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارا می‌باشند. از میان عوامل زمینه‌ای، به ترتیب، وجود بازار انحصاری و تعیین قیمت توسط دولت، نبود ارتباطات بین‌المللی و عدم وجود بازرنگری در آیین‌نامه‌های مربوط به ایجاد محدودیت‌های مالی بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. از میان عوامل علی، کپی کردن طرح‌ها و ایده‌ها، فقدان مکانیزم‌های کنترل داخلی پویا به منظور تهیه داده‌های مالی مشخص و نبود گزارش‌های شفاف در صورت‌های مالی بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. از میان عوامل مداخله‌گر، بالا بودن تورم، نوسانات شدید نرخ ارز و عدم توان تامین تجهیزات و قطعات مورد نیاز از خارج از کشور بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند. از میان راهبردها، تنها عدم صادرات کالاهای نهایی معنادار شده است؛ و از میان پیامدها، از میان رفتن اعتبار، عدم امکان رقابت شرکت در صنعت و کاهش مشتریان بیشترین تاثیر را در نارسایی عملکرد مالی شرکت دارند.

به طور کلی، عواملی علی، مانند نداشتن طرح و ایده جدید یا به عبارتی نداشتن نوآوری در اثر ضعف دانش و تکنولوژی، نداشتن مکانیزم کنترل داخلی پویا برای ارائه گزارش‌های شفاف در صورت‌های مالی، اهمیت بسیاری در نارسایی عملکرد مالی شرکت‌ها دارند. هنگامی که مدیران شرکت دانش و تجربه کافی در زمینه مدیریت و

انجام امورات را نداشته باشند، ضعف دانش و تکنولوژی منجر به نداشتن نوآوری شده و شرکت برای امرار معاش خود، طرح‌ها و ایده‌ها را از شرکت‌های دیگر (داخلی یا خارجی) کپی برداری می‌کند. نتیجه این عمل، ضربه مهلکی است که به دلیل ضعف مدیریتی و نداشتن دانش به عملکرد مالی شرکت وارد می‌آورد. لذا شرکت به دلیل عدم استفاده از دانش و تکنولوژی، قادر به ارائه گزارشی شفاف از صورت‌های مالی خود نیز نخواهد بود. هنگامی که گزارش صورت‌های مالی شفاف نباشد، شرکت نمی‌تواند برنامه‌ریزی بلندمدت برای اهداف خود داشته باشد. تمامی این عوامل هزینه‌های سنگین بر شرکت تحمیل می‌کند و یا سودآوری را کاهش می‌دهد که در نهایت منجر به افت عملکرد مالی شرکت خواهد شد. شرکت‌هایی که عملکرد مالی ضعیف دارند، پیامدهایی از قبیل از میان رفتن اعتبار، عدم امکان رقابت در صنعت و کاهش مشتریان را به دنبال دارند. هنگامی که یک شرکت در طول سال‌ها و یا مقاطع زمانی مختلف زیان‌ده باشد، و یا عملکرد مالی مناسبی از خود نشان ندهد، اعتبار خود را نزد مشتریان و رقبا از دست خواهد داد و کم‌کم مشتریان نیز کاهش می‌یابند و به سمت شرکت‌های رقیب جذب می‌شوند. بنابراین شرکت دیگر توان رقابت با شرکت‌های رقیب خود را نیز از دست خواهد داد. علاوه بر موارد گفته شده، عواملی در اقتصاد کلان هستند که به عنوان عوامل مداخله‌گر بر نارسایی عملکرد مالی شرکت‌ها تاثیر می‌گذارند. مهم‌ترین آنها تورم و نوسانات نرخ ارز است. همانطور که در پیش گفته شد، کشور ما در سال‌های بسیاری با بحران‌های مالی شدید روبرو بوده است که نه تنها عملکرد شرکت‌ها بلکه عملکرد کل اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار داده است. یکی از این بحران‌ها که به تازگی رخ داده است، بحران ابتدای سال ۱۳۹۷ است که با شروع سال جدید، نرخ ارز دچار افزایش شدید و ناگهانی شد که به دنبال آن نرخ تورم یا سطح عمومی قیمت‌ها نیز بسیار افزایش یافت. لذا دستمزد حقیقی کارکنان سازمان‌ها کاهش یافته و کارکنان دیگر انگیزه‌ای برای ادامه فعالیت نداشتند. بنابراین بهره‌وری نیروی کار بطور چشمگیری رو به کاهش نهاد. از سوی دیگر، شرکت‌ها با افزایش شدید قیمت مواد اولیه به دلیل افزایش نرخ ارز و نیاز به واردات مواجه شدند. لذا هزینه‌های شرکت‌ها نیز افزایش یافت و در مجموع سودآوری بسیاری از شرکت‌ها ایران کاهش شدید یافت و به دنبال آن نارسایی عملکرد مالی در شرکت‌ها مشاهده گردید. همچنین عواملی به صورت زمینه‌ای مانند بازارهای انحصاری بر نارسایی عملکرد مالی شرکت تاثیر می‌گذارند. بازار انحصار کامل فروش بازاری است که یک فروشنده و تعداد زیادی خریدار دارد. از آنجا که دولت در کشور ما از قدرت بالایی برخوردار است، بازارهای انحصاری به ویژه نفت را در اختیار خود گرفته است. این امر منجر به عدم دخالت بخش خصوصی در روند قیمت‌گذاری و سایر فعالیت‌ها شده و نارسایی عملکرد مالی شرکت را به دنبال دارد. همچنین کشورهایی که به صورت اقتصاد بسته فعالیت می‌کنند و اهمیتی به تجارت خارجی نمی‌دهند، عملکرد پایین‌تری نیز خواهند داشت. بنابراین لازم است کشورها ارتباطات بین‌المللی خود را به ویژه در جهت توسعه صادرات (کالاهای نهایی و واسطه) توسعه بخشند.

از آنجا که مشابه این پژوهش در تحقیقات پیشین انجام نشده، لذا مقایسات با پیشینه با محدودیت‌هایی مواجه است. نتایج بدست آمده از این تحقیق، به لحاظ اهمیت مدیریت شرکت با نتایج پژوهش دونگ و همکاران

(۲۰۱۹) همخوانی دارد. همچنین به لحاظ در نظر گرفتن اهمیت رقابت در بازار با نتایج پژوهش مومنی و میرزایی (۱۳۹۷) نیز همخوانی دارد.

براساس نتایج کسب شده پیشنهاد می‌شود، شرکت پالایش نفت آبادان، به ویژه در شرایط بحران‌های مالی اقتصاد ایران، دانش و تکنولوژی را در شرکت افزایش دهد تا بتواند صورت‌های مالی شفاف و دقیق برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت ارائه دهد. جهت رقابت با شرکت‌های رقیب، لازم است ابتدا شرکت عملکرد مالی خود را بهبود بخشد تا قادر به رقابت با شرکت‌های رقیب در صنعت باشد و مشتریان آن صنعت را به خود جذب نماید. همچنین از آنجا که شرکت پالایش نفت آبادان یک شرکت پتروشیمی است که در زمینه نفت و فرآورده‌های نفتی فعالیت می‌کند، جهت افزایش قدرت اقتصادی کشور و افزایش صادرات لازم است صادرات نفت به صورت خام کاهش یافته و به جای آن، تکنولوژی تولید کالا با نفت و فرآورده‌های نفتی را بدست آورند. سپس کالاهای نهایی تولید شده از نفت را به کشورهای دیگر صادر کنند. هر چه صادرات مواد اولیه بیشتر باشد، به زیان اقتصاد کشور خواهد بود. بنابراین از آنجا که شرکت پالایش نفت آبادان در زمینه نفت که مهم‌ترین کالای صادراتی ایران است فعالیت می‌کند، لازم است تکنولوژی و دانش لازم را برای تولید کالاهای نهایی از نفت و فرآورده‌های نفتی را کسب نماید.

فهرست منابع

- * ازکیا، مصطفی،، توکلی، محمود. (۱۳۸۵). فراتحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۷(۲): ۱-۲۶.
- * اعرابی، سیدمحمد، رزمجوئی، محرم. (۱۳۹۰). استراتژی‌های مالی و بازده سهام شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات مدیریت راهبردی، ۸(۴): ۱۱۴۱-۱۶۶.
- * باباجانی، جعفر. (۱۳۹۱). مسئولیت پاسخگویی و کنترل‌های داخلی در بخش عمومی، ماهنامه حسابداری، ۱۷(۴۷): ۱۳-۲۲. تهران: انجمن حسابداران خبره ایران.
- * جان‌افزایی، نصراله، نیکبخت، محمدرضا. (۱۳۹۴). بررسی سیستم‌های حسابداری قیمت تمام شده در شرکت‌های دولتی ایران، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۴(۴): ۱-۱۳.
- * حبیب زاده بایگی، سیدجواد،، دارابی، رویا. (۱۳۹۵). نقش مالکیت دولتی بر معیارهای مالی و اقتصادی ارزیابی عملکرد شرکت‌ها با استفاده از مدل رگرسیون فازی، دوفصلنامه علمی-پژوهشی حسابداری دولتی، ۳(۱): ۹-۲۰.
- * وارث، سیدحامد،، تهرانی، رضا، بناءزاده، محمدجواد. (۱۳۹۶). تأثیر تنوع‌بخشی پرتفوی شرکت‌های هلدینگ بر عملکرد مالی (مطالعه موردی: شرکت‌های سهامی عام ایران)، تحقیقات مالی، ۱۹(۱): ۱۷۳-۱۹۲.
- * دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، آذر، عادل. (۱۳۸۳). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، انتشارات صفار، تهران.

- * شمس‌زاده، باقر، زلّقی، حسن، امینیان، حامد. (۱۳۹۶). آسیب شناسی الگوی کنونی تهیه صورت‌های مالی و ارائه مدل گزارشگری مالی بر مبنای فعالیت، فصلنامه حسابداری مالی، ۹(۳۶): ۱۲۷-۱۶۰
- * صادقی فسائی، سهیلا، ناصری‌راد، محسن. (۱۳۹۱). عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۲): ۷۸-۹۸.
- * مصلح‌شیرازی، علینقی، ملکی، بهاره، خلیفه، مجتبی، رضانی مقدم، امیر. (۱۳۹۷). الگوسازی عملکرد سیستم مالی با استفاده از رویکرد پویایی‌شناسی سیستمی (شرکت تولیدکننده شن و ماسه)، مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶(۱)، ۵۱-۷۲. doi: 10.22108/amf.2017.21331
- * Abor, J. Y. (2017). Evaluating Capital Investment Decision, Capital Budgeting. In Entrepreneurial Finance for MSMEs. Springer International Publishing.
- * Al-Kassar, T, A., Soilean, J, S. (2014). Financial Performance Evaluation and Bankruptcy Prediction (Failure), Arab Economics and Business Journal, 9(2): 147-155.
- * Andrej, J, A., Keith, S, W., Leiby, B, E. (2009). Meta-analysis: A Brief Introduction, Clinical and Translational Science, 2(5): 374-378.
- * Assagaf, A., Ali, H. (2017). Determinants of Financial Performance of State-owned Enterprises with Government Subsidy as Moderator, International Journal of Economics and Financial Issues, 7(4): 330-342.
- * Attri, R., Dev, n., & Sharma, v. (2013). Interpretive Structural Modelling (ISM) approach: An Overview. Research Journal of Management Sciences, 2(2), 6.
- * Loch, M., Marcon, R., Da Silva, A, L, P., Xavier, W, G. (2018). Government's impact on the financial performance of electric service providers as both regulatory and shareholder, Utilities Policy, 55(3): 142-150
- * Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. Qualitative research, 1(3), 385-405.
- * Bamberger, P., Fiengenbaum, A. (1996). The role of strategic reference points in explaining the nature and consequences of human resource strategy. Academy of Management Review, 21(4), 926-958.
- * Beckmann, J., Czudaj, R. (2017). Exchange rate expectations since the financial crisis: Performance evaluation and the role of monetary policy and safe haven, Journal of International Money and Finance, 74(5): 283-300. <https://doi.org/10.1016/j.jimonfin.2017.02.021>
- * Clarke, G., Roger, W., Brent, D., Robert, H., Nadauld, D., Stephen, B. (1990). Strategic Financial Management. Richard D.Irwin, Inc.
- * Bender, R. & Ward, K. (2002). Corporate Financial Strategy (second Ed). MPG Books Ltd, Bodmin, Cornwall
- * Attri, R., Dev, n., & Sharma, v. (2013). Interpretive Structural Modelling (ISM) approach: An Overview. Research Journal of Management Sciences, 2(2), 6.
- * Salim, M., & Yadav. (2012). "Capital Structure and Firm
- * Claver, E., Lopez, M, D., Molina, J, F., Tari, J, J. (2007). Environmental management and firm performance: A case study, Journal of Environmental Management, 84(4): 606-619
- * Coram, P, J., Mock, Th, J., Monroe, G, S. (2011). Financial analysts' evaluation of enhanced disclosure of non-financial performance indicators, The British Accounting Review, 43(2): 87-101. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2011.02.001>
- * Ding, Sh., Beaulied, Ph. (2011). The Role of Financial Incentives in Balanced Scorecard-Based Performance Evaluations: Correcting Mood Congruency Biases, Journal of Accounting Research, 49(5): 1223-247. <https://doi.org/10.1111/j.1475-679X.2011.00421.x>

- * Dong, J, Y., Chen, Y., Wan, Sh, P. (2019). A cosine similarity based QUALIFLEX approach with hesitant fuzzy linguistic term sets for financial performance evaluation, *Applied Soft Computing*, 69(2): 316-329. <https://doi.org/10.1016/j.asoc.2019.04.053>
- * Fiegenbaum, A., Hart, S., Schendel, D. (1996). Strategic Reference Point Theory, *Strategic Management Journal*, 17(3): 219-235.
- * Lin , E., Ng, A., Dewamdaru, G., Nagayev, R., Abdulrahman, M. (2019). The Impact of Social and Environmental Sustainability on Financial Performance: A Global Analysis of the Banking Sector, *Journal of Multinational Financial Management*, <https://doi.org/10.1016/j.mulfin.2019.01.002>
- * Hahn, K. (2018). Innovation in times of financialization: Do future-oriented innovation strategies suffer? Examples from German industry, *Research Policy*, <https://doi.org/10.1016/j.respol.2018.10.016>
- * Jakhotiya, G. P. (2003). *Strategic Financial Management*. Vikas Publishing House PVT Ltd.
- * Krelling, Ch., Badami, M, G. (2016). Operational and financial performance of Delhi's natural gas-fueled public bus transit fleet: A critical evaluation, *Transport Policy*, 47(5): 178-188. <https://doi.org/10.1016/j.tranpol.2016.02.001>
- * Loch, M., Marcon, R., Da Silva, A, L, P., Xavier, W, G. (2018). Government's impact on the financial performance of electric service providers as both regulatory and shareholder, *Utilities Policy*, 55(3): 142-150
- * Malone, D. W. (2014). An introduction to the application of interpretive structural modeling. *Proceedings of the IEEE*, 63(3), 397-404.
- * Masri, H., Abdulla, Y. (2018). A multiple objective stochastic programming model for working capital management, *Technological Forecasting and Social Change*, 131(11): 141-146
- * Michaelas, N. , Chittenden, F. & Poutziouris, P. (1999). "Financial policy and capital structure choice in UK SMEs: Empirical evidence from company panel data". *Small Business Economics*, 2(12), 113-1.
- * Nizam, E., Ng, A., Dewamdaru, G., Nagayev, R., Abdulrahman, M. (2019). The Impact of Social and Environmental Sustainability on Financial Performance: A Global Analysis of the Banking Sector, *Journal of Multinational Financial Management*, <https://doi.org/10.1016/j.mulfin.2019.01.002>
- * Pan, Y., Huang, Y., Qi, E. (2016). Chinese manufacturing industry development strategy from the financial perspective, *Grey Systems: Theory and Application*, 6(2): 203-215. <https://doi.org/10.1108/GS-02-2016-0003>
- * Pettit, J. (2007). *Strategic Corporate Finance*. John Wiley & Sons, Inc.
- * Ramesh, A., Banwet, D.K., Shankar, R. (2010). "Modeling the Barriers of Supply Chain Collaboration", *Journal of Modelling in Management*, 5(2): 176-193.
- * Seifzadeh, P. and Rowe, W. (2019). The role of corporate controls and business-level strategy in business unit performance, *Journal of Strategy and Management*, 12(3): 364-381. <https://doi.org/10.1108/JSMA-10-2018-0114>
- * Sharma, A., Md Jadi, D., Ward, D. (2018). Evaluating financial performance of insurance companies using rating transition matrices, *The Journal of Economic Asymmetries*, 18(4): 81-102. <https://doi.org/10.1016/j.jeca.2018.e00102>
- * Singh, M. D., & Kant, R. (2011). Knowledge management barriers: An interpretive structural modeling approach. *International Journal of Management Science and Engineering Management*, 3(2), 10.
- * Slimane, F, B., Angulo, L, P. (2018). Strategic change and corporate governance: Evidence from the stock exchange industry, <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2018.10.045>

- * Straus, A. and Corbin, J. (2008). Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for developing Grounded Theory. Third Edition, Los Angeles: stage publication, pp: 156
- * Wang, Y, J. (2014). The evaluation of financial performance for Taiwan container shipping companies by fuzzy TOPSIS, Applied Soft Computing, 22(3): 28-35. <https://doi.org/10.1016/j.asoc.2014.03.021>
- * Yalcin, N., Bayrakdaroghlu, A., Kahraman, C. (2012). Application of fuzzy multi-criteria decision making methods for financial performance evaluation of Turkish manufacturing industries, Expert Systems with Applications, 39(1): 350-364. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2011.07.024>
- * Yang, X., Zhang, H., (2019). Extreme absolute strength of stocks and performance of momentum strategies, Journal of Financial Markets, <https://doi.org/10.1016/j.finmar.2019.01.001>

یادداشت‌ها

- ¹ Loch
- ² Assagaf & Ali
- ³ Brodiyer
- ⁴ Context
- ⁵ Bender & Ward
- ⁶ Salim & Yadav
- ⁷ Fiegenbaum
- ⁸ Strategic Reference Points(SRPs)
- ⁹ Lin
- ¹⁰ Endrikat
- ¹¹ Structural Equations Model
- ¹² Singh & Kant
- ¹³ Malone
- ¹⁴ Ramesh
- ¹⁵ Attri
- ¹⁶ Strauss & Corbin